


نقش واسطه‌ای صفات سنگدلی_فقدان همدمی در رابطه‌ی بین حمایت اجتماعی

خانواده و قلدری نوجوانان دختر

آزاده طاولی^{۱*}، فاطمه زند نژاد^۲

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|--|--|
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸ | هدف این پژوهش، بررسی نقش واسطه‌ای صفات سنگدلی_فقدان همدمی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری نوجوانان بود. این پژوهش یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر پایه‌های دهم تا دوازدهم بودند که به شیوه در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه شیوع قلدری (BPQ؛ ریگبی و اسلی، ۱۹۹۵)، مقیاس حمایت اجتماعی خانواده (PSS_Fa؛ پروسیدانو و هلر، ۱۹۸۳) و سیاهه سنگدلی_فقدان همدمی (ICU؛ فریک، ۲۰۰۴) پاسخ دادند. برای بررسی مدل پژوهش، از روش معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که رابطه بین متغیر حمایت اجتماعی خانواده با صفات سنگدلی_فقدان همدمی ($\beta = -0.26, P < 0.001$) و قلدری ($\beta = -0.41, P < 0.001$) نوجوانان منفی و معنادار بود. رابطه بین متغیر صفات سنگدلی_فقدان همدمی با قلدری نوجوانان مثبت و معنادار بود ($P < 0.001, \beta = 0.49$). همچنین یافته‌های حاصل از روش تحلیل مسیر حاکی از معناداری نقش واسطه‌ای سنگدلی_فقدان همدمی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری بود ($P < 0.001, \beta = 0.13$). نتایج این پژوهش به گسترش مفاهیم و فرضیه‌های موجود در زمینه حمایت والدین و قلدری با در نظر گرفتن نقش مفاهیم روان‌شناختی مانند سنگدلی_فقدان همدمی کمک می‌کند. این نتایج را می‌توان در تدوین برنامه‌های پیشگیرانه در حوزه قلدری نوجوانان و درمان آن به کار برد. |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹ | |
| نوع مقاله: پژوهشی | |
| واژگان کلیدی | |
| حمایت اجتماعی خانواده، سنگدلی_فقدان همدمی، قلدری، نوجوانان | |

۱. نویسنده مسئول: گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. 

۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

مقدمه

قلدري^۱ به‌عنوان یک نگرانی جدی در زمینه بهداشت عمومی شناخته می‌شود که کودکان و نوجوانان را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. این رفتار یک مشکل عمده سلامت عمومی است که مدیریت آن مستلزم صرف زمان و توجه هماهنگ از سوی والدین، مربیان، مدیران مدرسه و سیاست‌گذاران است (آکادمی ملی علوم، ۲۰۱۶). قلدري شامل خشونت جسمی یا روانی عمدی و مکرر و رابطه قدرت نامساوی است که در آن قربانی نمی‌تواند تعرض‌های قلدر را متوقف نماید (پستیگو و همکاران، ۲۰۱۳). انواع مختلفی از قلدري وجود دارد که عبارتند از: فیزیکی (برای نمونه، دعوا کردن، لگد زدن و مشت زدن)، کلامی (برای نمونه، ناسزا گفتن، تهدید کردن، پخش شایعات تند و زننده) و رابطه‌ای-اجتماعی (برای نمونه، اخراج کردن از بازی یا از گروه، نادیده گرفتن یا دعوت نکردن همکلاسی به جشن) که از این میان، قلدري فیزیکی و قلدري کلامی شکل مستقیم قلدري محسوب می‌شوند، در حالی که قلدري رابطه‌ای-اجتماعی اشاره به شکل غیرمستقیم قلدري دارد (اونس و همکاران، ۲۰۰۰). ویژگی مهم قربانی شدن رابطه‌ای-اجتماعی، نسبت به قربانی شدن جسمانی و کلامی، غیرمستقیم و روانی بودن است. بدین‌صورت که همیشه قابل مشاهده نیست و لذا احتمال نادیده گرفته شدن آن و در نتیجه آسیب دیدن بیشتر فرد قربانی وجود دارد. از سوی دیگر، چون قربانی شدن رابطه‌ای-اجتماعی سبب تحقیرشدن نظام‌دار احساس فرد می‌شود، بیشترین آسیب را برای فرد قربانی نسبت به دیگر انواع قلدري در پی دارد (شمس و همکاران، ۲۰۱۷).

نتایج تحقیقات در مورد پیامدهای قلدري بر مسائل تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مدارس نشان داده‌اند که قلدري موجب ترس و غیبت از مدرسه و ایجاد وقفه در پیشرفت تحصیلی فرد می‌شود (موسکاری، ۲۰۰۲). پدیده قلدري افزون بر آثار کوتاه‌مدت، آثار ماندگارتر و بلندمدت-تری نیز به دنبال دارد. مطالعات در مورد اثرات درازمدت قلدري نشان داده است که قربانیان در بزرگسالی بیشتر در معرض خطر ابتلا به افسردگی و کاهش اعتماد به نفس قرار می‌گیرند (کمبل و همکاران، ۲۰۱۲). یکی از مشکلاتی که متعاقب قلدري به‌وجود می‌آید، کاهش سازگاری اجتماعی، هیجانی و تحصیلی است. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که رفتارهای قلدري، بهزیستی روانی و کارکرد اجتماعی قلدرها را در دوره نوجوانی و بزرگسالی تحت تأثیر قرار می‌دهند (لیو و گریوز، ۲۰۱۱).

قلدري علل چندگانه دارد و این علل هم به ویژگی‌های خود افراد و هم به محیط خانوادگی آنها مربوط می‌شوند. دانش‌آموزانی که از لحاظ فیزیکی قوی و فعال می‌باشند و خیلی پرخاشگر و

مخاطره‌طلب هستند، گرایش ذاتی به قلدری دارند، برعکس، دانش‌آموزانی که از لحاظ فیزیکی و هیجانی ضعیف بوده و خیلی محتاط، کم‌حرف، فقیر و فاقد کینه‌جویی هستند، به احتمال زیاد، قربانی قلدری می‌شوند (نصری، ۱۳۹۶). مطالعات حاکی از این است که جنسیت نیز نقش مهمی را در بروز رفتار قلدری ایفا می‌کند. دانش‌آموزان مذکر بیشتر احتمال می‌رود که متوسل به رفتار قلدری فیزیکی و مستقیم شوند و این در حالی است که احتمال بیشتری می‌رود جنس مؤنث متوسل به اشکال قلدری غیرمستقیم و رابطه‌ای گردد (لیو و گریوز، ۲۰۱۱).

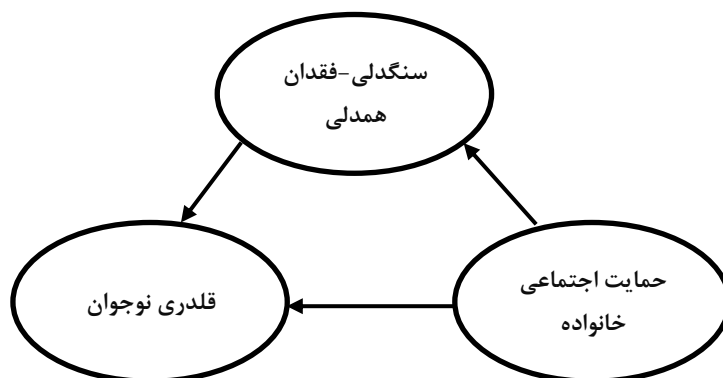
در رابطه با سبب‌شناسی قلدری لازم است به مجموعه عوامل فرهنگی، خانوادگی و آموزشی اشاره نمود. در این میان، والدین اولین کسانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می‌کنند و تأثیرگذارترین برخوردها و تعاملات را در شکل‌گیری ساختار زندگی آینده کودک دارند (اسپریگز و همکاران، ۲۰۰۷). تأثیر عواملی مانند شیوه‌های فرزندپروری (به‌ویژه شیوه‌های انضباطی) حاکی از آن است که رفتارهای پرخاشگرانه ممکن است در خانه سرمشق‌دهی شوند و توسط کودک به مدرسه انتقال یابند. این موضوع در مورد زورگویی نیز مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شده که زورگویان با مراقبان خود دلبستگی اجتنابی دارند و در واقع، نوجوانان رفتار خود را بر اساس ادراکات خود از تعاملات والد-فرزندی تنظیم می‌کنند (بیرامی و علائی، ۱۳۹۲). تعاملات خانوادگی ضعیف نظیر فرزندپروری بی‌ثبات، قوانین انضباطی سخت و ناپایدار و فقدان ارتباط مثبت با والدین، به‌عنوان عوامل خطر و پیش‌بینی‌کننده رفتار پرخاشگرانه در نظر گرفته می‌شوند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۴). پرخاشگری روانی والدین با شیوه‌هایی مانند خودداری از محبت، سرزنش، فریاد، توهین و تحقیرکردن توصیف می‌شود و با پرخاشگری در کودکان مرتبط است (گمزارتیز و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین عواملی مانند حمایت اجتماعی از طرف خانواده^۱ و اطرافیان می‌تواند نقش بازدارنده و محافظت‌کننده در بروز قلدری داشته باشد (سیدز و همکاران، ۲۰۱۰). بیرامی و علائی (۱۳۹۲) مطرح نمودند که گرمی و سردی ادراک‌شده از تعاملات خانواده در رفتارهای قلدری نوجوانان مؤثر است، به‌طوری که گرمی در تعاملات والد-فرزندی از احتمال بروز قلدری می‌کاهد و در مقابل سردی روابط بر احتمال بروز چنین رفتارهایی می‌افزاید. با استناد به شواهد ارائه‌شده، رابطه بین قلدری نوجوانان و حمایت اجتماعی از طرف خانواده به‌ویژه والدین آنها تأیید شده است؛ با توجه به تعامل پیچیده عوامل مختلف خانوادگی، مزاجی و اجتماعی در شکل‌گیری و تداوم قلدری که بیشتر ذکر شد، می‌توان چنین فرض نمود که رابطه میان حمایت اجتماعی خانواده و قلدری یک رابطه خطی ساده نباشد، با توجه به رابطه سنگدلی-فقدان همدلی و قلدری، از سویی و تأثیر مؤلفه‌های عملکرد خانوادگی همچون حمایت اجتماعی با صفات سنگدلی-فقدان همدلی^۲

(کیتون و همکاران، ۲۰۲۱) از سوی دیگر (سینگ و همکاران، ۲۰۱۸)، چنین فرض شد که سنگدلی-فقدان همدلی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری نقش واسطه‌ای ایفا کند. صفت سنگدلی-فقدان همدلی نوع پردازش هیجانی خاص شامل فقدان احساس گناه، محدودیت در ابراز احساسات و یک سبک مقابله بین فردی ویژه شامل ناتوانی در نشان دادن همدلی و استفاده سنگدلانه از دیگران برای سود شخصی اشاره می‌کند (فتی و همکاران، ۲۰۰۹) صفات سنگدلی-فقدان همدلی شامل فقدان نگرانی در مورد احساسات دیگران، عدم پشیمانی، عدم نگرانی از عملکرد شخص در فعالیت‌های مهم و ابراز عواطف سطحی یا کم‌عمق است (کیمونیس، ۲۰۱۵) سنگدلی-فقدان همدلی در مفهوم‌پردازی رفتارهای جامعه‌ستیز نقش برجسته‌ای دارد (وایت، ۲۰۱۰). شواهد پژوهشی نشان داده‌اند که قلدرها در مقایسه با همسالان خود که قلدری نمی‌کنند، همدلی عاطفی پایین‌تری دارند و در ابراز هیجانات مناسب ناتوان‌تر هستند (جولیف و فارینگتون، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر، افراد قلدر، احساس همدلی و همحسی ضعیفی نسبت به قربانیان دارند و نسبت به آنها بی‌اعتنا هستند و همچنین ترسی از تنبیه شدن ندارند. این افراد خودمحور هستند و حاضرند برای رسیدن به اهداف خویش، دیگران را فدا کنند. آنها ساده‌ترین راه مانند زورگویی را برای انجام مقاصد خود برمی‌گزینند و به عواقب کار نمی‌اندیشند (علیوردی‌نیا و سهرابی، ۱۳۹۴). ماناز و همکاران (۲۰۱۱) استدلال کردند که سنگدلی-فقدان همدلی ممکن است با ناتوانی در جلوگیری از قلدری رابطه داشته باشد. نتایج پژوهش آنها نشان داد کودکانی که نمره بالایی در سیاهه سنگدلی-فقدان همدلی گرفتند، پایین‌ترین سطح همدلی و بالاترین سطح قلدری را داشتند. این نقص در همدلی در کودکان با صفات سنگدلی-فقدان همدلی، ممکن است افزایش استفاده از رفتارهای قلدری در آنها را پیش‌بینی کند (ویدیج و همکاران، ۲۰۰۹).

افزون بر این رابطه سنگدلی-فقدان همدلی و حمایت دریافتی از طرف خانواده نیز در پژوهش‌ها تأیید شده است. فریک و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند که سختگیری والدین و گرمای عاطفی ضعیف با صفات سنگدلی-فقدان همدلی رابطه دارد و گرمی عاطفی و پاسخگویی والدین می‌تواند موجب رشد همدلی در مقابل صفات ضد اجتماعی^۱ شود. نتایج مطالعات مربوط به صفات سنگدلی-فقدان همدلی حاکی از رابطه معنادار بین محیط خانوادگی نوجوان و صفات سنگدلی-فقدان همدلی در وی است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سبک‌های فرزندپروری در دوران شیرخوارگی (حساسیت والدین، دخالت شدید مادر، واکنش متناسب به حالت هیجانی کودک) و همچنین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های سرشتی کودک مانند خلق‌وخو و عملکرد سیستم‌های بیولوژیکی، پیش‌بینی‌کننده مدل‌های هیجانی، ویژگی‌ها و رفتارهای حاکی از

سنگدلی-فقدان همدلی در فرد هستند (گلن، ۲۰۱۸، جکسون و بیور، ۲۰۱۶، بیور و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین سینگ و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که رابطه معناداری بین پرخاشگری روانی والدین و پرخاشگری کودکان وجود دارد و در این میان، صفات سنگدلی-فقدان همدلی به‌عنوان تعدیل‌کننده رابطه بین پرخاشگری والدین و مشکلات رفتاری کودکان عمل می‌کند.

با توجه به اینکه قلدری در دانش‌آموزان دختر کمتر مورد توجه قرار گرفته است و با توجه به میزان شیوع بالای قلدری (۶۰/۲٪) در نوجوانان دختر (بیرامی، ۱۳۹۲)، انجام تحقیقاتی جهت کاهش این رفتارها لازم و ضروری به‌نظر می‌رسد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای صفات سنگدلی-فقدان همدلی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری در نوجوانان دختر انجام شد. در واقع مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا صفات سنگدلی-فقدان همدلی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری نوجوانان دختر نقش واسطه‌ای دارد. شکل شماره ۱ مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود. حجم نمونه پژوهش با توجه به روش پژوهش که مدل‌یابی است، ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد (کلاین، ۲۰۱۱). از میان دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ ۲۰۰ دانش‌آموز که معیارهای ورود به پژوهش را دارا بودند از دبیرستان دخترانه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند. در نهایت از ۲۰۰ پرسشنامه گردآوری شده، ۲۸ پرسشنامه ناقص بودند که از نمونه حذف شدند. ملاک‌های ورود به مطالعه عبارت بودند از جنس دختر، اشتغال به تحصیل در پایه‌های دهم تا دوازدهم، زندگی کردن با پدر و مادر و تمایل

به همکاری. معیارهای خروج از پژوهش عبارت بودند از سابقه ابتلا به بیماری روانی، مصرف داروهای روانپزشکی در زمان بررسی و عدم تمایل به همکاری در تکمیل پرسشنامه‌ها.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه شیوع قلدری^۱ (BPQ): پرسشنامه شیوع قلدری توسط ریگی و اسلی به منظور ارزیابی قلدری در مدارس و در سال ۱۹۹۵ طراحی شده است. این پرسشنامه مشتمل بر ۲۰ گویه و سه زیرمقیاس قلدری، قربانی و نفع اجتماعی است که در واقع ۱۵ گویه آن نمره‌گذاری می‌شوند و ۵ گویه آن هرچند از سوی پاسخگو پاسخ داده می‌شوند، ولی نمره‌گذاری نمی‌شوند. سؤالات بر روی طیف لیکرت از هرگز = ۱ تا همیشه = ۴ قرار دارند. نمره کل حاصل جمع نمره تمامی گویه‌هاست و حداکثر نمره در این آزمون ۸۰ و حداقل نمره در آن ۲۰ است. نمره بالا و نزدیک به ۸۰ در این مقیاس نشان‌دهنده میزان قلدری بالاست و نمره پایین و نزدیک به ۲۰ نشان دهنده رفتارهای نرمال و انطباق‌پذیر فرد است. ضریب پایایی این ابزار در پژوهش‌های خارجی رضایت‌بخش گزارش شده است و تدوین‌کنندگان آن نیز برای کل پرسشنامه و مؤلفه‌های آن آلفای کرونباخ را بین ۰/۶۹ تا ۰/۹۱ گزارش نمودند (ریگی و اسلی، ۱۹۹۳). در ایران این پرسشنامه توسط اکبری و همکاران (۱۳۹۴) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی در پرسشنامه آنها نشان داد که این پرسشنامه از سه عامل اشباع شده است و از شاخص‌های برازش مناسبی برخوردار است. در پژوهش بیرامی نشان داده شد که کلیه ضرایب و بارهای عاملی معنی دار هستند، مجذور کای معادل ۴۱۴/۴۸۹، درجه آزادی ۸۷ و نسبت مجذور کای بر درجه آزادی برابر با ۴/۷۶۴ به دست آمده است. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۱ و برای هرکدام از خرده مقیاس‌ها شامل قلدری ۰/۸۱، قربانی ۰/۷۵ و نفع اجتماعی ۰/۷۰ به دست آمد که در سطح قابل قبولی است.

مقیاس حمایت اجتماعی خانواده (PSS_Fa): مقیاس حمایت اجتماعی خانواده توسط پروسیدانو و هلر (۱۹۸۳) ساخته شده است. این ابزار ۲۰ گویه‌ای است. گزینه‌های این پرسشنامه عبارت از بله، خیر و نمی‌دانم است. نمره نمی‌دانم همیشه برابر با صفر، در سؤالات ۳، ۴، ۱۶، ۱۹ و ۲۰ مساوی +۱ است و برای بقیه سؤالات نمره پاسخ بله مساوی +۱ است. دامنه نمره کل سؤالات بین ۰ تا ۲۰ می‌باشد. نمره بالا به منزله حمایت اجتماعی بیشتر از نظر پاسخ‌دهندگان است. برای سنجش میزان برآورده شدن نیازها و برخورداری از حمایت از سوی خانواده به کار می‌رود. مقیاس حمایت اجتماعی خانواده با ضریب آلفای ۰/۹۰ از همسانی درونی خوبی

برخوردار است. جهت بررسی روایی همگرا و واگرا، ارتباط نتایج مقیاس حمایت اجتماعی خانواده با مقیاس غربالگری علایم روان‌شناختی ($r = -0/29$ ، $p > 0/0001$) و مقیاس توانمندی اجتماعی ($r = 0/35$ ، $p > 0/005$) بررسی شد، ضرایب همبستگی حاکی از روایی قابل قبول مقیاس حمایت اجتماعی خانواده است (پروسیدانو و هلر، ۱۹۸۳).

سیاهه سنگدلی_فقدان همدلی (ICU): سیاهه سنگدلی_فقدان همدلی (فریک، ۲۰۰۴) جهت سنجش رفتارهای سنگدلی، بی‌تفاوتی و فقدان همدلی به کار می‌رود. این سیاهه شامل ۲۴ گویه است. ۵ گویه بعد فقدان همدلی، ۸ گویه بعد بی‌تفاوتی و ۱۱ گویه بعد سنگدلی را می‌سنجند. مقیاس پاسخگویی به گویه‌ها لیکرت ۴ درجه‌ای (۰. کاملاً غلط، ۱. کمی درست، ۲. تا حد زیادی درست، ۳. کاملاً درست) است. مطالعات اعتباریابی این سیاهه در نوجوانان کشورهای مختلف حاکی از روایی سازه و اعتبار قابل قبول این مقیاس است (کیمونیس و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین روایی همگرای این مقیاس از طریق بررسی همبستگی با مقیاس عملکرد انطباقی و اجتماعی کودک نوجوان ($r = -0/42$ ، $p > 0/001$) عملکرد تحصیلی ($r = -0/21$ ، $p > 0/001$) و ارتباط با همسالان ($r = -0/30$ ، $p > 0/001$) بررسی و مورد تأیید قرار گرفت و ضریب پایایی این سیاهه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ گزارش شده است (اسائو و همکاران، ۲۰۰۶). در ایران این پرسشنامه توسط احمدی و قربانی (۱۴۰۰) مورد بررسی قرار گرفت. بررسی روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که برازش الگو در حد مطلوب می‌باشد و نتایج نشان داد که ضرایب مسیر غیرمستقیم بین مؤلفه‌های سنگدلی ($\beta = 1$ ، $p = 0/001$ ، $p < 0/001$) غیرصمیمی بودن سنگدلی ($\beta = 0/77$ ، $p = 0/001$)، بی‌عاطفه بودن ($\beta = 0/28$ ، $p = 0/005$) با کل مقیاس صفات بی‌عاطفه و عاری از احساس معنادار است. بررسی روایی همزمان با محاسبه میزان همبستگی با مقیاس همدلی ($r = -0/42$ ، $p = 0/001$) بیانگر رابطه منفی آنها می‌باشد. ضریب اعتبار این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷ و با استفاده از روش آزمون_آزمون مجدد ۰/۷۸ به‌دست آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها ابتدا آمار توصیفی (جداول فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد) توسط نرم‌افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت و سپس آمار استنباطی توسط معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار AMOS تحلیل شد. بر مبنای این مدل، حمایت اجتماعی خانواده به‌عنوان متغیر پیش‌بین (مستقل)، صفات سنگدلی_فقدان همدلی به‌عنوان متغیر واسطه‌ای و قلدری نوجوانان به‌عنوان متغیر برونزاد در نظر گرفته شده است. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از

نرم‌افزارهای SPSS26 و AMOS24 صورت گرفت. جهت تحلیل روابط واسطه‌ای نیز از روش بوت استرپ در برنامه MACRO پریچر و هایز (۲۰۰۸) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ ویژگی‌های جمعیت شناختی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۹_۱۳۹۸ را نشان می‌دهد. میانگین سن نمونه‌های مورد مطالعه ۱۶/۶۶ ($SD=۰/۹۱$) و میانگین معدل نمونه‌های مورد مطالعه ۱۸/۲۸ ($SD=۱/۴۶$) بود. در جدول شماره ۱ فراوانی و درصد ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد مطالعه آمده است.

جدول شماره ۱. متغیرهای جمعیت شناختی دانش‌آموزان ($N=۱۷۲$)

| متغیر | فراوانی | درصد |
|-----------------------|-----------|------|
| پایه تحصیلی | دهم | ۳۵ |
| | یازدهم | ۹۰ |
| | دوازدهم | ۴۷ |
| شغل مادر | خانه‌دار | ۱۴۲ |
| | کارمند | ۳۰ |
| شغل پدر | آزاد | ۹۴ |
| | دولتی | ۷۱ |
| | بیکار | ۷ |
| رتبه فرزند در خانواده | ۱ | ۹۴ |
| | ۲ | ۵۵ |
| | ۳ و بیشتر | ۲۳ |

در جدول شماره ۲، میانگین، انحراف معیار، کشیدگی و چولگی نمرات قلدری نوجوانان، صفات سنگدلی_فقدان همدلی و حمایت اجتماعی خانواده و ابعاد آن در دانش‌آموزان مورد بررسی آمده است. میانگین نمرات قلدری نوجوانان دانش‌آموز دختر دبیرستانی ۳۵/۵۹ ($SD=۴/۸۸$) و بیشترین میانگین نمره ۱۸/۹۴ ($SD=۲/۰۶$) مربوط به بعد قربانی و کمترین میانگین نمره ۷/۹۸ ($SD=۲/۴۸$) مربوط به بعد نفع اجتماعی بود. میانگین نمرات صفات سنگدلی_فقدان همدلی ۲۲/۹۲ ($SD=۹۹/۸$) و بیشترین میانگین نمره ۷/۹۲ ($SD=۴۵/۴$) مربوط به بعد سنگدلی و کمترین میانگین نمره ۷/۴۶ ($SD=۰/۳۵$) مربوط به بعد فقدان همدلی بود. میانگین نمره حمایت اجتماعی خانواده ۲۷/۰۹ ($SD=۰/۳۷$) بود (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. میانگین، انحراف معیار، کشیدگی و چولگی نمرات قلدری نوجوانان، صفات سنگدلی-فقدان همدلی و حمایت اجتماعی خانواده و ابعاد آن در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران (N=۱۷۲)

| متغیر | میانگین (انحراف معیار) | چولگی | کشیدگی |
|-------------------------|------------------------|-------|--------|
| قلدری نوجوانان | ۵۹/۳۵ (۸۸/۴) | ۴۶/۰ | ۵۶/۱ |
| قلدری | ۶۶/۸ (۲۳/۳) | ۴۷/۱ | ۱۱/۲ |
| قربانی | ۹۴/۱۸ (۰۶/۲) | ۹/۱ | ۱۲/۲ |
| نفع اجتماعی | ۹۸/۷ (۴۸/۲) | ۴۴/۰ | ۲۷/۰ |
| صفات سنگدلی-فقدان همدلی | ۹۲/۲۲ (۹۹/۸) | ۴۶/۰ | ۴۳/۱ |
| سنگدلی | ۹۲/۷ (۴۵/۴) | ۴۷/۱ | ۶۳/۲ |
| بی‌تفاوتی | ۵۳/۷ (۱۶/۴) | ۵۰/۰ | ۳۰/۰ |
| فقدان همدلی | ۴۶/۷ (۰۵/۳) | ۰۹/۰ | ۴۶/۰ |
| حمایت اجتماعی خانواده | ۰۹/۲۷ (۰۳/۷) | ۰۰/۰ | ۰۶/۰ |

جدول شماره ۳ اطلاعات مربوط به همبستگی پیرسون بین متغیرهای قلدری نوجوانان، صفات سنگدلی-فقدان همدلی و حمایت اجتماعی خانواده و ابعاد آن در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج ماتریس همبستگی، بین قلدری نوجوانان و صفات سنگدلی-فقدان همدلی و خرده‌مقیاس‌های آنها رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). بین حمایت اجتماعی خانواده با قلدری نوجوانان، صفات سنگدلی-فقدان همدلی و خرده‌مقیاس‌های آنها رابطه منفی معنادار وجود دارد ($p < 0/05$).

جدول شماره ۳. ضریب همبستگی بین متغیرهای قلدری نوجوانان، صفات سنگدلی-فقدان همدلی و حمایت اجتماعی خانواده و ابعاد آن

| متغیر | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ |
|-------------------------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|---|
| قلدری نوجوانان | ۱ | | | | | | | | |
| قلدری | **۷۶/۰ | ۱ | | | | | | | |
| قربانی | **۴۴/۰ | **۴۴/۰ | ۱ | | | | | | |
| نفع اجتماعی | **۶۰/۰ | *۱۶/۰ | **۳۲/۰ | ۱ | | | | | |
| صفات سنگدلی-فقدان همدلی | **۴۸/۰ | **۳۶/۰ | **۳۳/۰ | **۴۴/۰ | ۱ | | | | |
| سنگدلی | **۴۶/۰ | **۴۳/۰ | **۳۰/۰ | **۳۵/۰ | **۸۵/۰ | ۱ | | | |
| بی‌تفاوتی | **۵۰/۰ | **۳۸/۰ | **۳۴/۰ | **۴۶/۰ | **۷۶/۰ | **۵۲/۰ | ۱ | | |
| فقدان همدلی | **۴۶/۰ | **۴۶/۰ | **۴۳/۰ | **۱۷/۰ | **۶۰/۰ | **۳۵/۰ | **۲۰/۰ | ۱ | |
| حمایت اجتماعی خانواده | **۳۲/۰ | *۱۹/۰ | **۲۱/۰ | *۱۶/۰ | **۲۵/۰ | **۲۰/۰ | **۲۸/۰ | **۲۸/۰ | ۱ |

**P<001/0, *P<05/0

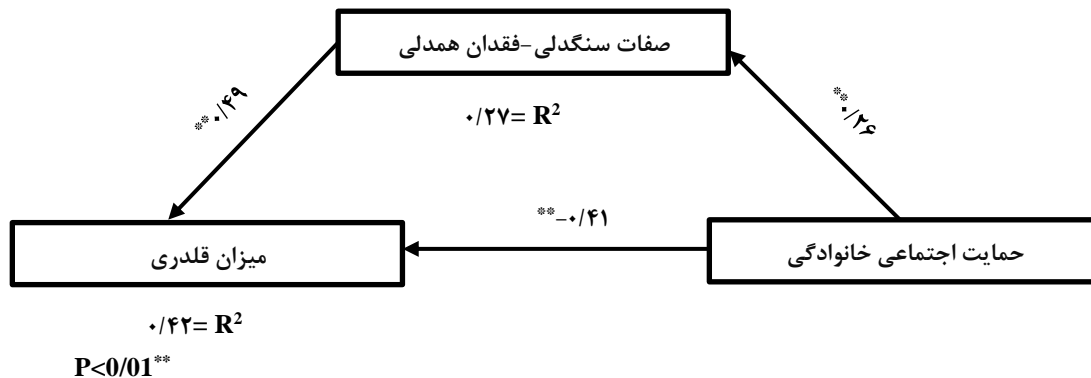
در این بخش برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از معادلات ساختاری در قالب تحلیل مسیر مبتنی بر روش کوواریانس نرم افزار AMOS²⁴ استفاده شده است و پارامترهای مدل به روش بیشینه درست نمایی (ML) برآورد شدند. پیش از کاربرد این روش، بررسی پیشفرض‌های این رویکرد آماری ضروری است. بنابر پیشنهاد کلاین (۲۰۱۶) مفروضه‌های بهنجاری تک متغیری به کمک برآورد مقادیر کجی و کشیدگی آزمون و تأیید شدند. با توجه به اینکه دامنه کجی و کشیدگی متغیرها در بازه ± 3 قرار داشت، نرمال بودن تک متغیری مورد تأیید قرار گرفت (جدول شماره ۲). جهت بررسی نرمال بودن چند متغیری از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا^۱ و نسبت بحرانی استفاده شده است. بنابر پیشنهاد بلانچ (۲۰۱۲)، مقادیر کوچکتر از ۵ برای نسبت بحرانی به عنوان عدم تخطی از نرمال بودن چندمتغیره در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش ضریب مردیا ۲/۰۱۴ و نسبت بحرانی ۱/۶۲۸ به دست آمده که کمتر از عدد ۵ می‌باشد. بنابراین فرض نرمال بودن چند متغیری برقرار است. در راستای نبودن داده‌های پرت چندمتغیری، شاخص فاصله ماهالانوبیس^۲، مورد بررسی قرار گرفت و سطوح معناداری کمتر از ۰/۰۵ حاکی از دور افتاده بودن داده‌های پرت مورد نظر است. بر اساس این شاخص، داده پرت شناسایی نشد. همچنین مفروضه عدم هم خطی چندگانه با شاخص‌های تحمل^۳ و عامل تورم واریانس^۴ ارزیابی شد. در این تحلیل در هیچ یک از مقادیر آماره‌های تحمل و عامل تورم واریانس محاسبه شده برای متغیرهای پژوهش، انحرافی از مفروضه همخطی چندگانه مشاهده نشد. بنابراین بررسی پیش فرض‌های آماری نشان داد که روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با رویکرد تحلیل مسیر، روش مناسبی برای ارزیابی برازش مدل است و جهت برآورد پارامترها از روش بیشینه درست-نمایی^۵ استفاده شده است.

شاخص‌های برازش $PCFI=875/0$ ، $PNFI=872/0$ ، $X^2/DF = 975/0$ ، $0.45/0$ ، $RMSEA=973/0$ ، $IFI=988/0$ ، $GFI=961/0$ و $PCLOSE=0.61$ حاکی از برازش خوب مدل پیشنهادی با داده‌هاست. بنابراین مدل پیشنهادی از برازندگی مطلوبی برخوردار است.

جدول شماره ۴ نیز ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل متغیرها و شکل ۲ مدل نهایی را نشان می‌دهد. شاخص R^2 میزان واریانس تبیین شده متغیرهای نهفته درونزا را نشان می‌دهد. ضریب تعیین متغیر قلدری نوجوانان ۰/۴۲ است که نشان می‌دهد متغیرهای حمایت

1. Mardia standardized kurtosis coefficient
2. Mahalanobis d_squared method
3. Tolerance
4. VIF
5. Maximum likelihood (ML)

اجتماعی خانواده و صفات سنگدلی-فقدان همدلی می‌توانند ۴۲ درصد از تغییرات قلدری نوجوانان دانش‌آموز دختر دبیرستانی شهر تهران را پیش‌بینی کنند که این میزان در حد قوی است.



شکل شماره ۲. ضرایب استاندارد مدل نهایی

نتایج حاصل از روابط مستقیم متغیرهای پژوهش در مدل نهایی نشان می‌دهد که در کل نمونه تمامی ضرایب مسیر بین متغیرها از لحاظ آماری معنادار بودند. در مدل پژوهش رابطه بین متغیر حمایت اجتماعی خانواده با صفات سنگدلی-فقدان همدلی ($\beta = -0.26$, $P < 0.001$) و قلدری همدلی با قلدری نوجوانان منفی و معنادار بود. رابطه بین متغیر صفات سنگدلی-فقدان همدلی با قلدری نوجوانان مثبت و معنادار بود ($\beta = 0.49$, $P < 0.001$). بنابراین، همه مسیرهای مستقیم معنادار و فرضیه‌هایی که در مورد اثرات مستقیم متغیرها ارائه شده است، تأیید می‌شود. در الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر یک مسیر غیرمستقیم یا واسطه‌ای وجود دارد. برای تعیین معناداری این اثر از روش بوت استرپ^۱ استفاده شد. یافته‌ها حاکی از معناداری نقش واسطه‌ای سنگدلی-فقدان همدلی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری است ($P < 0.001$), ($\beta = -0.13$).

جدول شماره ۴. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش

| متغیر ملاک | متغیر پیشین | اثرات مستقیم | اثرات غیرمستقیم | اثرات کل |
|-------------------------|-------------------------|--------------|-----------------|----------|
| میزان قلدری | حمایت اجتماعی خانواده | ** ۴۱/۰ | ** -۱۳/۰ | ** -۵۴/۰ |
| | صفات سنگدلی-فقدان همدلی | ** ۴۹/۰ | - | - |
| صفات سنگدلی-فقدان همدلی | حمایت اجتماعی خانواده | ** -۲۶/۰ | - | - |

** $P < 0.01$

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای صفات سنگدلی-فقدان همدلی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری دختران نوجوان صورت گرفت. نخستین نتیجه پژوهش حاضر حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری در دختران نوجوان بود. به عبارتی با افزایش حمایت اجتماعی خانواده، قلدری کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش‌های رحمانی و همکاران (۱۳۹۶)، عباسی و همکاران (۱۳۹۴)، گومزواتریک و همکاران (۲۰۱۴)، سیدز و همکاران (۲۰۱۰)، دی الیورا و همکاران (۲۰۱۹)، چرالمپوس و همکاران (۲۰۱۸)، بجرلد و همکاران (۲۰۱۷) و بیرامی و علائی (۱۳۹۲) همخوان است. یافته‌های این پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که میان عملکرد خانواده و سبک‌های فرزندپروری و حمایتی والدین با قلدری فرزندان رابطه وجود دارد و در واقع نوع ارتباط والدین با فرزندان، میزان قلدری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند و ادراک مثبت فرزندان از محیط خانواده رفتارهای قلدری را کاهش می‌دهد. شربانی و بشرپور (۲۰۱۸) در مطالعه توصیفی خود دریافتند که میان کارکرد ضعیف خانواده و قلدری رابطه وجود دارد. محمدی (۱۳۹۶) نیز نشان داد که در تعامل مادر-کودک بین آزرده‌گی و سردرگمی نقش با رفتار قلدری فرزندان رابطه مثبت وجود دارد و بین عاطفه مثبت و ارتباط یا گفت و شنود بین اعضا با رفتار قلدری و قربانی شدن فرزندان رابطه منفی دیده می‌شود. به عبارت دیگر، با افزایش عاطفه مثبت و ارتباط یا گفت‌و شنود و تعامل مادر-کودک، میزان رفتار قلدری فرزندان کاهش می‌یابد. در این راستا همچنین تحقیقات نشان داده‌اند که تعامل والد-فرزند مستبدانه، سلطه‌گرانه و متناقض به رفتارهای قلدری منجر می‌شود. سابقه تجربه سوءاستفاده و خشونت فیزیکی کودک در محیط خانه با رفتارهای قلدری و قربانی شدن او در مدرسه مرتبط است و در میان دختران، تجربه سوءاستفاده از پیش‌بین‌های قوی قلدری و قربانی شدن محسوب می‌شود (بالدری، ۲۰۰۳).

در زمینه نقش ساختار خانواده در رفتارهای پرخطر فرزندان بیشتر نشان داده شده است که بهترین پیش‌بین رفتارهای پرخطر در نوجوانان، کژکاری و مشکلات عاطفی بین اعضای خانواده است (گلدفارب و همکاران، ۲۰۱۴). بیرامی و علائی (۱۳۹۲) نشان دادند که محیط عاطفی خانواده با قلدری و انواع آن رابطه داشته و بعد محبت نسبت به بعد کنترل متغیر پیش‌بین قوی‌تری است و سردی محیط خانوادگی تغییرات قلدری را پیش‌بینی می‌کند. همچنین شایق و همکاران (۱۴۰۰) در بررسی نقش عوامل خانوادگی در پرخاشگری کودکان نشان دادند که حمایت، توجه، مراقبت خانوادگی، ارتباطات خانوادگی، الگوی رفتاری بزرگسالان خانواده، درگیری و علاقه‌مندی خانواده به مسائل مدرسه کودکان و انتظارات بالا از جمله عوامل مربوط

به خانواده هستند که در برابر رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان عامل حمایتی و بازدارنده دارند (شایق و همکاران، ۱۴۰۰).

رویکرد سیستمی خانواده، قلدری را بخشی از یک فرایند تعاملی وسیع‌تر می‌داند که ریشه در خانه دارد. بچه‌هایی که احساس می‌کنند والدینشان آنها را کنترل می‌کنند و صمیمیت کمی نیز با آنها دارند ممکن است سعی کنند روابط اجتماعی‌شان را از طریق قلدری تحت کنترل خود بگیرند، لذا چگونگی رفتار والدین با فرزندان در شکل‌گیری نظام رفتاری آنان نقش بسزایی دارد (کراس و برنز، ۲۰۱۴). نبودن صمیمیت عاطفی، عدم مراقبت و حمایت و پیوند والدینی نامناسب منجر به احساس طردشدن فرزند از سوی والدین می‌شود و بر سلامت عاطفی و هیجانی و رفتاری او تأثیر منفی می‌گذارد که می‌تواند منجر به قلدری و آزارگری در وی شود. تأثیر کیفیت فضای خانواده بر ارتکاب رفتارهای زورگویانه در پژوهش‌های پیشین نشان داده شده است. بدین صورت که افراد زورگو خانواده خود را کمتر یکپارچه ادراک می‌کنند و خصومت بیشتری را در خانواده تجربه می‌کنند (علیوردی نیا و سهرابی، ۱۳۹۴).

در حقیقت، دانش‌آموزان در مواجهه با فشارهایی چون احساس محرومیت و طرد از طرف والدین ممکن است برای تسکین و تخلیه احساسات منفی، به قلدری در مدرسه روی بیاورند. سلامت روانی دانش‌آموزان با افزایش ادراک و تصور آنان از میزان حمایت اجتماعی دریافتی از سوی خانواده و دوستان وضعیت مطلوب‌تری پیدا می‌کند و با کاهش منابع حمایتی، سلامت روان آنها به خطر می‌افتد و در این میان خانواده به‌عنوان مهمترین منبع حمایت اجتماعی به شمار می‌رود و دوستان در درجه دوم اهمیت قرار دارند (ضرابی مقدم و ناظمی، ۱۳۹۴) و عوامل نظیر احساس محرومیت از محبت والدین، ناکامی از دستیابی به تأیید و حمایت والدین، عوامل خطرآفرین برای قلدری هستند. روش‌های تربیتی والدین و چگونگی تعامل آنها با فرزندان، کیفیت رابطه فرزندان با همسالان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و نوجوان در محیط خانواده می‌آموزد که در ارتباط با همسالانش اقدام به رفتارهای پرخاشگرانه و قلدری کند و آنها را مورد اذیت و آزار مکرر قرار دهد (الوف و همکاران، ۲۰۱۱).

همچنین مشخص شد که بین حمایت اجتماعی خانواده و سنگدلی-فقدان همدلی نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. در راستای بررسی نقش خانواده در رفتار ضد اجتماعی فرزندان، پژوهشگرانی به بررسی رابطه بین عوامل خانوادگی و صفات سنگدلی-فقدان همدلی پرداخته‌اند. برای نمونه، والر و همکاران (۲۰۱۸) با بررسی دو قلوهای تک تخمکی این نتیجه را گزارش نمودند که سخت‌گیری زیاد و گرمای عاطفی کم والدین با پرخاشگری و صفات سنگدلی-فقدان همدلی کودک مرتبط است. این یافته با نتایج مطالعات پیشین در زمینه رابطه بین عوامل خانوادگی

و صفات سنگدلی_فقدان همدلی و رفتارهای بیرونی ساز کودکان همسوست. به‌طور خاص رابطه مثبت معناداری بین تنبیه بدنی و آزار جسمی توسط والدین با احتمال بروز صفات سنگدلی_فقدان همدلی در کودک گزارش شده است که می‌توان مکانیزم‌های بالقوه متعددی چون برانگیختن خشم، درد یا ترس، الگوبرداری مستقیم از پرخاشگری والدین، کاهش حساسیت هیجانی و همدلی و کاهش احساس خودکترلی در کودکان را در شکل‌گیری این رابطه دخیل دانست (والر و همکاران، ۲۰۱۳، والر و همکاران، ۲۰۱۸).

یافته دیگر پژوهش حاضر این بود که سنگدلی_فقدان همدلی با میزان قلدری نوجوانان رابطه مثبت و معنادار دارد. به‌عبارت دیگر می‌توان بیان داشت که با افزایش سنگدلی_فقدان همدلی در نوجوانان میزان قلدری آنها افزایش پیدا می‌کند. این یافته همراستا با تحقیقات پیشین مانند مطالعه سیوسی و همکاران (۲۰۱۴)، فتی و همکاران (۲۰۰۹)، اسائو و همکاران (۲۰۰۶)، کیمونیس و همکاران (۲۰۰۶) و روس و همکاران (۲۰۱۰) است که نشان دادند بین صفات سنگدلی_فقدان همدلی و میزان قلدری افراد رابطه معنادار وجود دارد. سیوسی و همکاران (۲۰۱۴) با بررسی نقش صفات سنگدلی_فقدان همدلی در مشکلات رفتاری دانش‌آموزان متوسطه نشان دادند که صفات سنگدلی_فقدان همدلی رابطه مثبتی با قلدری، مشکلات رفتاری در مدرسه و پرخاشگری واکنشی در دانش‌آموزان دختر و پسر دارد.

شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد صفات سنگدلی_فقدان همدلی شامل عدم احساس گناه و همدلی و فقر در بیان عاطفی، یک زیر گروه مهم و به‌ویژه شدید جوانان ضد اجتماعی را تعیین می‌کند که در معرض خطر بیشتر برای رفتار خشونت‌آمیز و پرخاشگری در آینده و نیز پاسخ ضعیف‌تر به درمان هستند (فریک و دیکنز، ۲۰۰۶). کیمونیس و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که صفت فقدان همدلی ارتباط معناداری با فقدان عاطفه مثبت و همدلی دارد. سنگدلی_فقدان همدلی که در درک رفتارهای جامعه‌ستیز نقش بسزایی دارد (فریک و دیکنز، ۲۰۰۶) منظومه‌ای متشکل از ابعاد عاطفی و بین فردی است که علل مجزایی داشته و منجر به آسیب‌های قابل ملاحظه در عملکرد عاطفی و بین فردی افراد می‌شوند (لاینیم و همکاران، ۲۰۰۵).

مطالعات اسائو و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که رابطه معناداری بین سنگدلی_فقدان همدلی و هیجان‌طلبی به‌ویژه بعد عدم بازداری از صفت هیجان‌طلبی وجود دارد. در واقع عدم بازداری رفتاری می‌تواند کودک را در معرض مشکلاتی در مسیر شکل‌گیری احساس گناه و همدلی قرار دهد و منجر به سنگدلی_فقدان همدلی و انجام رفتارهای آزارگرانه شود (فریک و موریس، ۲۰۰۴).

در نهایت، آخرین یافته پژوهش حاضر حاکی از آن است که سنگدلی-فقدان همدلی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و میزان قلدری دختران نوجوان نقش واسطه‌ای معناداری دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های صورت گرفته توسط دادز و همکاران (۲۰۱۱)، پسالیچ و همکاران (۲۰۱۲) و فنتی و همکاران (۲۰۱۴) مبنی بر رابطه آماری معنادار میان سنگدلی-فقدان همدلی با متغیرهای حمایت والدین و میزان قلدری فرزندان همخوان است. با در نظر گرفتن رابطه موجود بین میزان گشودگی عاطفی والدین و نرخ درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی در کودکان می‌توان روابط غیر مستقیم بین رابطه حمایت اجتماعی خانواده، نرخ سنگدلی-فقدان همدلی و قلدری را پیش‌بینی و تبیین نمود. فنتی و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند کودکانی که به میزان کافی از حمایت‌های والدینی برخوردار نیستند یا در معرض سطح بالای پریشانی والدینی هستند، نمرات بیشتری در صفت سنگدلی-فقدان همدلی به دست می‌آورند. در واقع، کیفیت عاطفی رابطه والد-فرزند مانند پاسخگو بودن والدین و گرمای عاطفی آنها اثر مثبتی بر رشد اخلاقی کودکان دارد. حمایت و گرمای عاطفی والدین پاسخگری هیجانی کودکان را تقویت می‌کند و شرایط درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی والدین را در کودک فراهم می‌کند و او را از اقدام به رفتارهای ضد اجتماعی باز می‌دارد. این حمایت و گرمای عاطفی والدینی همچنین می‌تواند منجر به تقویت همدلی در کودک شود و او را از صفات سنگدلانه و رفتارهای ضد اجتماعی بازدارد (پاردینی و همکاران، ۲۰۰۷؛ کاجنسکا، ۱۹۹۷)، لذا با کاهش حمایت‌های اجتماعی خانواده و به تبع آن کاهش همدلی، صفات و رفتارهای سنگدلی افزایش می‌یابد و افزایش صفات سنگدلی-فقدان همدلی که خود پیش بین قوی رفتارهای ضد اجتماعی هستند، منجر به افزایش نرخ قلدری در نوجوان می‌شوند.

یافته‌های پژوهش حاضر دانش امروز ما را درباره عوامل مؤثر بر میزان قلدری نوجوانان کامل‌تر می‌کند. نتیجه این پژوهش تأییدی بر این فرض است که عوامل روان‌شناختی چون حمایت اجتماعی خانواده صرفاً به شکل ساده و خطی به افزایش قلدری فرزندان منجر نمی‌شوند و در این زمینه باید به نقش غیرمستقیم متغیرها توجه کرد. این نتایج به گسترش مفاهیم و فرضیه‌های موجود در زمینه حمایت والدین و قلدری، با در نظر گرفتن نقش مفاهیم روان‌شناختی چون سنگدلی-فقدان همدلی کمک می‌کند. همچنین در سطح بالینی، از نتایج پژوهش حاضر می‌توان در زمینه پیشگیری و درمان قلدری نوجوانان الهام گرفت. با توجه به پیامدهای قلدری نوجوانان متخصصان سلامت روان می‌توانند عوامل مؤثر بر تشدید این رفتار را شناسایی نموده و در زمینه تدوین برنامه‌های پیشگیرانه در نوجوانان به کار ببرند. در این راستا، می‌توان با هدف قرار دادن

خصیصه سنگدلی_فقدان همدلی در نوجوانان به‌ویژه نوجوانانی که از حمایت کافی از سوی والدین برخوردار نبوده‌اند، به کاهش رفتارهای قلدری آنها کمک کرد.

از جمله محدودیت‌های این مطالعه این بود که صرفاً نوجوانان دختر شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند، بنابراین تعمیم این نتایج به کل جامعه نوجوانان کشور باید با احتیاط صورت گیرد، همچنین محدود بودن نمونه مورد بررسی به سنین نوجوانی محدودیت دیگری در زمینه تعمیم یافته‌ها به دیگر دوره‌های تحولی ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر، به کار نبردن دیگر شیوه‌های سنجش مانند مقیاس‌های رفتاری یا اجرای پرسشنامه توسط والدین محدودیت دیگر این پژوهش است. همچنین بر طبق شرایط موجود، روش نمونه-گیری پژوهش حاضر از روش در دسترس که از قوت کنترل مشابه روش‌های تصادفی برخوردار نیست استفاده شد، لذا پیشنهاد می‌شود برای اجرای پژوهش‌هایی با قدرت تعمیم بالاتر و دقت بیشتر، پژوهشگران از روش‌های نمونه‌برداری تصادفی و در نمونه‌ای با جامعیت بالاتر متشکل از نوجوانان دختر و پسر از قومیت‌های مختلف و در دامنه سنی گسترده‌تر و نیز ابزارهای جامع‌تر ارزیابی، استفاده نمایند. همچنین با در نظر داشتن محدودیت‌های مطالعات توصیفی، عوامل مؤثر بر قلدری نوجوانان در قالب مطالعه طولی و نیز اجرای مطالعات کیفی برای گرفتن نتیجه‌ای دقیق‌تر در این زمینه به کار گرفته شود.

فهرست منابع

- Abbasi, S., Asgari, Z., Mehrabi, T. (2015). Relationships between parenting styles of women working in hospitals and preschooler's anxiety, isolation and aggression. *Iranian Journal of Nursing Research*, 10 (2), 63_71. (Text in Persian)
- Akbari_balootbanga, A., Talepasand, S. (2015). The Factorial Structure and Psychometric Properties of Bullying Prevalence Questionnaire in Secondary Schools. *Journal of Education and Community Health*, 2(2), 10_19. (Text in Persian)
- Aliverdina, A., & Sohrabi, M. (2015). Bullying in High School Through Social Explanation: a case study. *Journal of Studies of Socio_Cultural Development*, 4 (1), 9_39. (Text in Persian)
- Ashgari sharabiani, A., Basharpour, S. (2019). The mediating role of empathy in the relationship between family functioning and bullying in students. *Journal of Family Psychology*, 10 (5), 15_26. (Text in Persian)
- Baldry, A. C. (2003). Bullying in schools and exposure to domestic violence. *Child abuse & neglect*, 27(7), 713_732.
[https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/S0145_2134\(03\)00114_5](https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/S0145_2134(03)00114_5)
- Bayrami, M., Alaie, P. (2013). Bullying in female middle schools: the role of parenting styles and perception of family's emotional environment. *Journal of School Psychology*, 2(3), 38_56. (Text in Persian)

- Beaver, K. M., Hartman, S., & Belsky, J. (2014). Differential susceptibility to parental sensitivity based on early-life temperament in the prediction of adolescent affective psychopathic personality traits. *Criminal Justice and Behavior*, 42(5), 546_565 <https://doi.org/10.1177/0093854814553620>
- Bjereld, Y., Daneback, K., & Petzold, M. (2017). Do bullied children have poor relationships with their parents and teachers? A cross-sectional study of Swedish children. *Children and Youth Services Review*, 73, 347_351. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.chidyouth.2017.01.012>
- Catone, G., Almerico, L., Pezzella, A., Riccio, M. P., Bravaccio, C., Bernardo, P., Muratori, P., Pascotto, A., Pisano, S., & Senese, V. P. (2021). The Relation of Callous-Unemotional Traits and Bullying in Early Adolescence Is Independent from Sex and Age and Moderated by Conduct Problems. *Brain Sciences*, 11(8). <https://doi.org/10.3390%2Fbrainsci11081059>
- Campbell, M., Spears, B., Slee, P., Butler, D., & Kift, S. (2012). Victims' perceptions of traditional and cyberbullying, and the psychosocial correlates of their victimisation. *Emotional and Behavioural Difficulties*, 17(3_4), 389_401. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/13632752.2012.704316>
- Catone, G., Almerico, L., Pezzella, A., Riccio, M. P., Bravaccio, C., Bernardo, P., Muratori, P., Pascotto, A., Pisano, S., & Senese, V.P. (2021). The Relation of Callous-Unemotional Traits and Bullying in Early Adolescence Is Independent from Sex and Age and Moderated by Conduct Problems. *Brain Sciences*, 11(8). <https://doi.org/10.3390%2Fbrainsci11081059>
- Charalampous, K., Demetriou, C., Tricha, L., Ioannou, M., Georgiou, S., Nikiforou, M., et al. (2018). The effect of parental style on bullying and cyber bullying behaviors and the mediating role of peer attachment relationships: A longitudinal study. *Journal of Adolescence*, 64, 109_123. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2018.02.003>
- Ciucci, E., Baroncelli, A., Franchi, M., Golmaryami, F. N., & Frick, P. J. (2014). The association between callous_unemotional traits and behavioral and academic adjustment in children: Further validation of the Inventory of Callous_Unemotional Traits. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 36(2), 189_200. https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s10862_013_9384_z
- Cross, D., & Barnes, A. (2014). Using systems theory to understand and respond to family influences on children's bullying behavior: Friendly schools friendly families program. *Theory into Practice*, 53(4), 293_299. <https://doi.org/10.1080/00405841.2014.947223>
- Dadds MR, Jambrak J, Pasalich D, Hawes DJ, Brennan J (2011) Impaired attention to the eyes of attachment figures and the developmental origins of psychopathy. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 52(3), 238_245. https://doi.org/10.1111/j.1469_7610.2010.02323.x
- De Oliveira, W. A., da Silva, J. L., Querino, R. A., Caravita, S. C. S., & Silva, M. A. I. (2019). Family variables and bullying among brazilian adolescents: a mixed study. *Behavioral Psychology/Psicologia Conductual*, 27, 41_53
- Esposito Vinzi, V., Chin, W. W., Henseler, J., & Wang, H. (2010). *Handbook of partial least squares: Concepts, methods and applications*. Heidelberg, Dordrecht, London, New York: Springer.

- Essau, C. A., Sasagawa, S., & Frick, P. J. (2006). Callous_unemotional traits in community sample of adolescents. *Assessment*, 13, 454 – 469
<https://doi.org/10.1177/1073191106287354>
- Fanti KA, Frick PJ, Georgiou S (2009) Linking callous_unemotional traits to instrumental and non_instrumental forms of aggression. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 31(4), 285_298.
https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s10862_008_9111_3
- Fanti, K. and Centifanti (n_ee Mu_noz), L.C. (2014) 'Childhood callous_unemotional traits moderate the relation between parenting distress and conduct problems over time.', *Child psychiatry and human development.*, 45 (2). pp. 173_184.
https://doi.org/10.1007/s10578_013_0389_3
- Frick, P. J., Kimonis, E. R., Dandreaux, D. M., Farrell, J. M. (2003). The 4_year stability of psychopathic traits in non-referred youth. *Behavioral sciences & the law*, 21(6), 713_736.
- Frick, P. J. (2004). *The Inventory of Callous_Unemotional Traits*. New Orleans, LA: UNO.
- Frick, P. J., & Morris, A. S. (2004). Temperament and developmental pathways to conduct problems. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 33, 54_68 https://doi.org/10.1207/s15374424jccp3301_6
- Frick, P. J., & Dickens, C. (2006). Current perspectives on conduct disorder. *Current Psychiatry Reports*, 8, 59_72. https://doi.org/10.1007/s11920_006_0082_3
- Glenn, A. L. (2019). Early life predictors of callous-unemotional and psychopathic traits. *Infant mental health journal*, 40(1), 39_53.
<https://doi.org/10.1002/imhj.21757>
- Goldfarb, S., Tarver, W. L., & Sen, B. (2014). Family structure and risk behaviors: the role of the family meal in assessing likelihood of adolescent risk behaviors. *Psychology research and behavior management*, 7, 53.
<https://doi.org/10.2147%2FPRBM.S40461>
- Gómez_Ortiz, O., Del Rey, R., Casas, J. A., & Ortega_Ruiz, R. (2014). Parenting styles and bullying involvement/Estilos parentales e implicación en bullying. *Cultura y Educación*, 26(1), 132_158.
<https://doi.org/10.1080/11356405.2014.908665>
- Jackson, D. B., & Beaver, K. M. (2016). The association between breastfeeding exposure and duration, neuropsychological deficits, and psychopathic personality traits in offspring: The moderating role of 5httlpr. *Psychiatric Quarterly*, 87(1), 107_127. https://doi.org/10.1007/s11126_015_9366_2
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2011). Is low empathy related to bullying after controlling for individual and social background variables?. *Journal of adolescence*, 34(1), 59_71. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2010.02.001>
- Kimonis, E. R., Frick, P. J., Skeem, J., Marsee, M. A., Cruise, K., Muñoz, L. C., & Morris, A. S. (2008). Assessing callous_unemotional traits in adolescent offenders: validation of the inventory of callousunemotional traits. *Journal of the International Association of Psychiatry and Law*, 31, 241–252.
<https://doi.org/10.1016/j.ijlp.2008.04.002>
- Kimonis, E. R., Frick, P. J., Boris, N. W., Smyke, A. T., Cornell, A. H., Farrell, J. M., & Zeanah, C. H. (2006). Callous_unemotional features, behavioral inhibition, and parenting: Independent predictors of aggression in a high_risk preschool sample. *Journal of Child and Family Studies*, 15(6), 741_752.

- Kimonis ER, Fanti KA, Frick PJ, Moffitt TE, Essau C, Bijttebier P, Marsee MA. (2015). Using self-reported callous-unemotional traits to cross-nationally assess the DSM_5 'With Limited Prosocial Emotions' specifier. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 56(11), 1249-1261. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/jcpp.12357>
- Kline, R. B. 2011. *Principle and practices of Structural Equation Modelling*. Third Edition.
- Kochanska, G. (1997). Multiple pathways to conscience for children with different temperaments: from toddlerhood to age 5. *Developmental psychology*, 33(2), 228.
- Liu, J., & Graves, N. (2011). Childhood bullying: A review of constructs, concepts, and nursing implications. *Public health nursing*, 28(6), 556-568. <https://doi.org/10.1111/j.1525-1446.2011.00972.x>
- Lynam, D. R., Caspi, A., Moffitt, T. E., Raine, A., Loeber, R., & Stouthamer-Loeber, M. (2005). Adolescent psychopathy and the big five: Results from two samples. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 33(4), 431-443. <https://doi.org/10.1007/s10648-005-5724-0>
- Mohammadi, M. (2017). Investigating the relationship between parent-child interaction and parents' mental health with bullying and victimization in high school male students in Tabriz city. (Text in Persian)
- Muñoz, L. C., Qualter, P., & Padgett, G. (2011). Empathy and bullying: Exploring the influence of callous-unemotional traits. *Child Psychiatry & Human Development*, 42(2), 183-196. <https://doi.org/10.1007/s10578-010-0206-1>
- Muscari, M. E. (2002). *Not my kid: 21 steps to raising a nonviolent child*. University of Scranton Press.
- Nasri, Sh. (2017). Investigating the relationship between family emotional climate, sensation seeking and impulsivity with bullying in first grade female high school students in Paveh city in the academic year of 95_96. Orumieh University. (Text in Persian)
- National Academies of Science, Engineering, and Medicine. (2016). *Preventing bullying through science, policy, and practice*. Washington, DC: The National Academies Press.
- Olthof, T., Goossens, F. A., Vermande, M. M., Aleva, E. A., & van der Meulen, M. (2011). Bullying as strategic behavior: Relations with desired and acquired dominance in the peer group. *Journal of school psychology*, 49(3), 339-359. <https://doi.org/10.1016/j.jsp.2011.03.003>
- Owens, L., Shute, R., & Slee, P. (2000). "Guess what I just heard!": Indirect aggression among teenage girls in Australia. *Aggressive Behavior: Official Journal of the International Society for Research on Aggression*, 26(1), 67-83. [http://dx.doi.org/10.1002/\(SICI\)1098-2337\(2000\)26:1%3C67::AID-AB6%3E3.0.CO;2-C](http://dx.doi.org/10.1002/(SICI)1098-2337(2000)26:1%3C67::AID-AB6%3E3.0.CO;2-C)
- Pardini DA, Lochman JE, Powell N (2007) The development of callous-unemotional traits and antisocial behavior in children: Are there shared and/or unique predictors? *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 36(3), 319-333. <https://doi.org/10.1080/15374410701444215>
- Pasalich DS, Dadds MR, Vincent LC, Cooper FA, Hawes DJ, Brennan J (2012) Emotional Communication in Families of Conduct Problem Children with High Versus Low Callous-Unemotional Traits. *Journal of Clinical Child &*

- Adolescent Psychology*, 41(3), 302_313.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/15374416.2012.668844>
- Postigo, S., González, R., Montoya, I., & Ordoñez, A. (2013). Theoretical proposals in bullying research: a review. *Anales de psicología*, 29(2), 413_425.
<https://dx.doi.org/10.6018/analesps.29.2.148251>.
- Preacher, K. J. & Hayes, A. F. (2008). Asymptotic and Resampling Strategies for Assessing and Comparing Indirect Effects in Multiple Mediator Models. *Behavior Research Methods*, 40, 879– 891.
<https://doi.org/10.3758/brm.40.3.879>
- Procidano, M. E., & Heller, K. (1983). Measures of perceived social support from friends and from family: Three validation studies. *American journal of community psychology*, 11(1), 1_24. <https://doi.org/10.1007/bf00898416>
- Rahmani, Sh., Yarmohamadzade, P., Habibi_kaleybar, R. (2017). The structural model of bullying behavior based on perception of family environments and personality traits in adolescents. *Quarterly of Applied Psychology*, 11 (3), 237_253. (Text in Persian)
- Rigby K, Slee PT. (1993). Dimensions of interpersonal relation among Australian children and implications for psychological well_being. *J Soc Psychol.*; 133(1):33_42. <https://doi.org/10.1080/00224545.1993.9712116>
- Roose, A., Bijttebier, P., Decoene, S., Claes, L., & Frick, P. J. (2010). Assessing the affective features of psychopathy in adolescence: a further validation of the inventory of callous and unemotional traits. *Assessment*, 17(1), 44_57.
<https://doi.org/10.1177/1073191109344153>
- Sanaei, B. (2008), *Family and Marriage Scales*, Besat Publication. (Text in Persian)
- Seeds, P. M., Harkness, K. L., & Quilty, L. C. (2010). Parental maltreatment, bullying, and adolescent depression: Evidence for the mediating role of perceived social support. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 39(5), 681_692.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/15374416.2010.501289>
- Shams, H., Garmaroudi, G., & Nedjat, S. (2017). Factors related to bullying: a qualitative study of early adolescent students. *Iranian Red Crescent Medical Journal*, 19(5).
- Shayegh, M., Barzegar_bafrooei, K., Rahimi, M. (2021). The Role of Family Factors in Aggression of Preschool Children by Social Skills Intermediation. *TB*, 20 (1), 38_54. <http://dx.doi.org/10.18502/tbj.v20i1.6183> (Text in Persian)
- Sng K.I., Hawes, D.J., Raine, A., Ang, R.P., Ooi, Y.P., Fung, D.S.S. (2018). Callous unemotional traits and the relationship between aggressive parenting practices and conduct problems in Singaporean families. *Child Abuse Neglect*, 81, 225_234. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2018.04.026>
- Spriggs, A. L., Iannotti, R. J., Nansel, T. R., & Haynie, D. L. (2007). Adolescent bullying involvement and perceived family, peer and school relations: Commonalities and differences across race/ethnicity. *Journal of Adolescent Health*, 41(3), 283_293. <https://doi.org/10.1016%2Fj.jadohealth.2007.04.009>
- Viding, E., Simmonds, E., Petrides, K. V., & Frederickson, N. (2009). The contribution of callous_unemotional traits and conduct problems to bullying in early adolescence. *Journal of child psychology and psychiatry, and allied disciplines*, 50(4), 471–481.
https://doi.org/10.1111/j.1469_7610.2008.02012.x

- Waller, R., Hyde, L. W., Klump, K. L., & Burt, S. A. (2018). Parenting is an environmental predictor of callous_unemotional traits and aggression: A monozygotic twin differences study. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 57(12), 955_963. <https://doi.org/10.1016/j.jaac.2018.07.882>
- Waller, R., Gardner, F., & Hyde, L. W. (2013). What are the associations between parenting, callous-unemotional traits, and antisocial behavior in youth? A systematic review of evidence. *Clinical psychology review*, 33(4), 593_608. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2013.03.001>
- White, S. F., & Frick, P. J. (2010). *Callous_unemotional traits and their importance to causal models of severe antisocial behavior in youth*. In R. T. Salekin & D. R. Lynam (Eds.), *Handbook of Child and Adolescent Psychopathy* (p. 135–155). The Guilford Press.
- Zarabi Moghadam, Z., Nazemi, M.R. (2015). The relationship between social support (family and friends) and adolescents' mental health. *The first comprehensive international congress of Iranian psychology*. (Text in Persian)



This article is an open_access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY_NC_ND 4.0) (https://creativecommons.org/licenses/by_nc_nd/4.0/).